



<p>قیمت اشتراک سالیانه در ایران یک تومان در سایر ممالک پنج فرانک</p>	<h1>کافه</h1> <p>۱۳۲۴</p>	<p>این روزنامه هر دو هفته یکبار نشر میشود عنوان مراسلات Redaktion Kaveh: Berlin-Charlottenburg, Leibnizstr. 64</p>
<p>* * جمعه ۲۲ مرداد ماه ۱۳۲۶ یزدگردی = ربيع الاول ۱۳۳۵ هجری * * Jahrg. 1 • Nr. 17 • 1. Januar 1917 * *</p>		

## اولین قدم بطرف صلح

روز ۱۴ صفر امسال در تاریخ این جنگ جهانگیر صفحهٔ بسیار شایان دقتی را مینماید. در این روز دولت آلمان و متحدین او که هنوز مشغول جشن فتح بخارست بودند رسماً بدشمنان خود پیشنهاد صلح نمودند و به‌المیلان آشکار داشتند که غرور ظفر وجدان آنانرا از درک حسیات عالیة انسانیت مانع نیامده و با وجود آنکه قووات اخیر در رومانی از حیث نظم و اقتصاد درهای امیدواری فردارا بروی آنها گشوده است باز محض خاتمه دادن باین خوزیریه و آدم کشیها حاضرند که از روی بزرگواری چشم از تعقیب نتایج مهم این فتح پوشیده و دست آشتی بسوی دشمنان خود دراز نمایند.

در این روز از چهار پایتخت برلن، وینه، اسلامبول و صوفیه متفقاً آواز صلح خواهی بلند شده در اقطار عالم منعکس گردید. صدر اعظم دولت امپراطوری بجن هلوگ با نمایندگان دول بیطرف و با وزرای ایالات

متحدہ آلمان مجلس نموده و در خصوص حاضر بودن دول اتحاد برای دخول در مذاکرات صلح با ایشان صحبت داشته و در این خصوص متحد المالی بتوسط نمایندگان اسپانی و ایالات متحدہ امریکا و سویس که حامی منافع تبعہ آلمان در ممالک دشمن هستند بتفقین فرستاد. ساعت دو بعد از ظهر در «رایشخ» نطق غزائی نمود که خلاصه آن از قرار ذیل است:

ابتدا از جدّ و جهد بیوده دشمنان در شکافتن صفوف آلمان و متحدین و از فتح سریع متحدین در رومانی سخن رانده از جمله گفت: «ضرب شمشیر ما دائرهٔ اقتصادرا نیز برای ما وسعت داد چه مبالغی هنگفت حیوانات و نفت و آذوقهای دیگر در رومانی بدست ما افتاد و اکنون در کار حمل و نقل آنها میباشیم و از این قرار عفریت خط و غلائی که از جانب دشمنان وسیلهٔ تهدید ما بود بجان خود آنها افتاده است و نقشهٔ جنی و شجاعت بی مانند سربازان ما موقعی برای ما تدارک نموده که استحکام فولاد دارد.....»

سپس صدر اعظم بخدمت مدنی اجباری که بتازگی در آلمان بیان آمده و موافق آن هر آلمانی تندرستی از هفده ساله تا شصت ساله مجبور بقبول

تقوت داشتند همانند و صوف یا بر جای آنها در مقابل حملات بی در پی دشمنان در همه جا مردانه مقاومت مینمایند. از حمله ناگهانی اخیری هم که در بالکان بر ضد ما پیش آمد با شتاب و فتح کامل جلو گیری کردیم و واقعات اخیر آشکار داشت که طول مدت جنگ قوه مقاومت ما را نمیتواند در هم شکند بلکه رو به پرفتنه اوضاع کنونی بنا حق میدهد که امیدوار بکامیابیهای دیگر هم باشیم.

دول متحده چهارگانه برای دفاع حیات و آزادی ترقی و تکامل ملی خود مجبور بحمل سلاح گردیدند و شاهکارهای قشون آنها تغییری در آن حاصل ننموده و دینیه در خاطر آنها خطور ننموده که رعایت حقوق ملل دیگر با حقوق و منافع حقه آنها منافعی است. آنها اصلاً در صدد فنا و اضلال دشمنان خود نیستند. دول متحده چهارگانه با وجود آنکه بقدرت نظامی و اقتصادی خود مطمئنند و در صورت لزوم حاضر هستند که جنگی را که بر آنها تحمیل شده تا آخرین دم استمرار دهند با اینهمه چون میخواهند که جلوی سیل خون را گرفته و پایانی باین جنگ هولناک بدهند متفقاً پیشنهاد مینمایند که از همین حالا داخل در مذاکرات صلح بشوند و یقین دارند که پیشنهادهایی که در صورت صلح اظهار خواهند داشت و راجع خواهد بود بتأمین حیات و شرف و ترقی آزاد ملل خود، مبنی بر اساس استقرار یک صلح ممتدی خواهد بود. چنانچه این پیشنهاد صلح بجائی نرسد و جنگ دوام پیدا نماید دول متحده چهارگانه بر سر آندند که تا یک پایان مظفری نرسند دست از جنگ برندارند و در مقابل عالم انسانیت و تاریخ بار ضحاکت آنرا آشکارا از دوش خود بر میدارند.

«دولت امپراطوری مقتضراً بتوسط حضرتعالی از دولت ... خواهشمند است که مرحمت فرموده اظهارات فوق را بدولت ... مغایره نمایند.»

خواه مسئله صلح بجائی نرسد یا نه این حرکت آلمان و متحدین او در حقیقت یک نصرت معنوی است که در تاریخ اهمیت آن بیشتر از فتوحات دیگر خواهد بود. دول اتفاق از اول جنگ در مقابل قدرت آلمان و متحدین که هر روز بر طومار فتوحات خود فتح تازه میافزودند متوسل بهتان و افترا که حربیه ضعیفان است گشته و باران دروغ را بهالم فرور میخندند و آلمان را در وسط اروپا مانند گرگ گرسنه قلم دادند که در میان گله گوسفندی افتاده و در کار دریدن آنها باشد و خود را شبان دلسوز خیزه این گله بیصاحب خواندند و چنان وانمود کردند که ملت آلمان فقط در هوای مشوب با دود باروت و بوی خون میتواند تنفس کند و از صلح و صفا بیزار و متفر است و ملل دور دست هم که راه رسیدن اخبار از آلمان بآنها مسدود بود ممکن بود کم کم بالطبع فریفته بهتانهای انگلیس و متفقین بشوند ولی این پیشنهاد صلح آنچه را که دشمنان در مدت دو سال و نیم رسته بودند پنبه کرد و عالیشان را بحقیقت امر که علو همت و صفای نیت متحدین و خدعه و تفاق دسته دیگر متخاصمین است مطلع داشت.

حالا هم البته جراید لندن و پاریس و پترزبورگ مسلک خود را فراموش ننموده و پیشنهاد صلح دول اتحاد را دلیل ضعف آنها قلم خواهند داد ولی جواب آنها خوب است از جانب روزنامه های مالک بیطرف داد. روزنامه سوئدی «استخلص دآگبلاد» میگوید: مطبوعات متفقین حتماً سعی خواهد نمود که پیشنهاد صلح دول مرکزی را علامت ضعف آنان جلوه دهد ولی دول مرکزی در جواب آنها فقط بیک کله میتوانند اکتفا نمایند و آن کله «بخارست» است!

شاهرخ

خدمتی است اشاره نموده گفت: وقتی که جنگ با شدت تمام در کار است «رایشناخ» با هم خدمت امدادی بوطن یک ترتیب تازه برای دفاع و حمله ایجاد نموده و امروز در پشت قشون جنگجو ملت کارکن ایستاده و قوت و قدرت مدعش ملت تماماً بطرف مقصدی یگانه و مشترک منطبق است بدون آنکه خاطر خود را مشغول یاوه سرانیهای دشمن که گاهی ما را خونخوار و دارای مقاصد جهانگیری و گاهی مضطر و نا امید و گدای صلح بقلم میدهد بنمائیم با یک قدم استوار مدام در پی مقصد خود میرویم و دائم با عزم راسخ مهبای دفاع و مبارزت در راه حیات ملت خود و آینده آزاد و مطمئن او میباشیم. در صورتیکه هم در این حال حاضریم که هر دقیقه دست بسوی یک صلحی که با مقاصد فوق موافقت نماید دراز نمائیم. چه قدرت ما ما را در محضر خدا و ملت و انسانیت کور نموده است!

در اینجا صدر اعظم صورت متحد المالی را که متحدین بدول بیطرف فرستاده اند و قبلاً بدان اشاره شد قرائت نموده و میگوید: «امروز ما مسئله صلح را در میان آوردیم و جواب آنرا از طرف دشمنان خود با وقار و سکونی که ناشی از قوت ما در داخل و خارج و از وجدان آرام ماست منتظر خواهیم شد و اگر آنها از قبول صلح امتناع ورزیده بار ضحاکت نتایج و خیمه آرا که بسنگینی یگ دنیا است بدوش خود بکنند و محض پیروی مقاصد جهانگیری و حرص و طمع از جلو گیری این قتل عام رخ بپایند شعله غضب در دل هر آلمانی شاره خواهد زد ولو آنکه آن آلمانی در محقرترین کلبه ها سگی داشته باشد. در این ساعت که در سر نوشت ما ساقی است بس تاریخی تصمیمی که ما کرده ایم بزرگ است و در خون صد هزارها فرزندان و برادران ما که جان خود را فدای امنیت وطن نموده اند آغشته شده است. در این جنگ عمومی مال که مدعش ترین مصایب زمین از طرفی و بزرگترین آثار شجاعت و عزم انسانی از طرف دیگر مشهود گردیده بطوی که تا بحال چشم و گوش انسانی نشنیده و ندیده است فراست آدمی از کشف حقایق امور عاجز است ولی خداوند داناست و حکم خواهد نمود!»

و بالاخره صدر اعظم در پایان نطق خود گفت: «ما میخواهیم با سر فرازی و بیباکی راه خود را تعقیب نمائیم در حالیکه هم مصمم بدوامت جنگ هستیم و هم حاضر برلی صلح!»

صورت متحد المالی که دولت آلمان و متحدین او عثمانی و اتریش و بلغار بدولی که با آنها در جنگند فرستاده اند از این قرار است:

«دو سال و نیم است که جنگی چنان مهیب که مانند آرا تاریخ یاد ندارد در کار ویران نمودن یک قسمت بزرگ دنیا است. این بلای عظیم که روابط یک دوره تمدن مشترک هزار ساله توانست از آن جلوگیری نماید در کار مضلل نمودن گرانهارترین ترکیه عالم انسانیت میباشد و نزدیک است که ترقیات اخلاقی و مادی را که در آغاز قرن بیستم مسیحی اسباب سر بلندی اروپا بود در زیر خاکستر خود مدفون نماید.

در این میدان مبارزت آلمان و متحدین او اتریش و بلغار و عثمانی با فتوحات نمایان که نمودند قوه شکست ناپذیر خود را بدشمنان که از حیث عدد و مهمات

# نظری بتاریخ و درس عبرت

فتح قفقاز یا کلید تسخیر ایران دهند

## قسمت سوم

بعد از واقعه قلعه آخولقه شامل مقر خود را در دارقو در ولایت چچنها قرار داد و سالهای دراز پیشرفت با او بود.

شامل که در حقیقت از زمان حیات قاضی ملا روح شورش ملی چچنها و آوارها بود و بعد از گهاری از بیحرکتی بیرون آورده بود در ۱۷۶۲ خواست میدان کار را وسعت داده و طوایف دیگر را نیز در جرگه مجاهدین درآورد و مخصوصاً اهالی قارطای را که طایفه از چرکس میباشند و چند سال قبل با روسها در زد و خورد بودند میخواست با خود همدمت کند. بدبختانه اینها از نیم قرن باینطرف سر اطاعت بروس فرود آورده بودند. این بود که از خوف روس مواعظ مهتج او بروح بیحس جان آنها اثری نبخشید. بر خلاف بعضی طوایف دیگر چرکس مثل انجازهایی و ادیکسها که باشیخ شامل همراهی کرده و بر خلاف انتظار روسها که آنها را بکلی مطیع و منقاد میپنداشتند بحملات روسها مقاومت جسورانه کردند.

بزرگترین فتوحات کوهستانها که آتش قلب قیصر نیکولای اول زد قضیه دارقو بود. دارقو روی یک صخره واقع شده بود که مدافعه آن خیلی دشوار و سنگر بندی سهولت نمکن نبود. شامل عمداً آنجا را تخلیه کرده بروسها واگداشت ولی از طرفی در پشت قشون روس عده معینی بی از مردان خود تهیه کرده و در کین گذاشت. وقتی که روسها برگشتند اینها در نزدیک جنگل ایچکری غفله بروسها حمله کردند و روزگار آنها را تیره و تار ساختند. چهار هزار نفر از ایشان بقتل رسانیدند از جمله چهار سرتیپ روسی بدم رفتند. تمام توپخانه و اسلحه و ذخیره جنگی روسها بدست ملئون قفقاز افتاد. خبر این حادثه مورت اهانت بزرگی برای قشون روس گردید. با وجود این بعضی از صاحب منصبان عالی روس خبر این جنگ را بامپراطور مثل یک اقدام جسورانه از طرف قشون روس وانمود کردند. اما بعضی از درباریان پترسبورگ صورت واقعه را کماهی بامپراطور فهمانیدند و کینه او را بر ضد قفقازها برافروخته و او را بانتقام جدی واداشتند.

### تغییر نقشه فتح قفقاز

در پترسبورگ بعد از این واقعه نقشه فتح قفقاز را تغییر دادند. اولاً فرمانفرمای کل قفقاز و سپهدار قشون را یکفر معین کردند (۱۷۶۰). و برای همچو مقمی شاهزاده میخائیل ووروتزوف را انتخاب کردند. این مرد سخت ترین و بی باک ترین دشمنان شامل گردید.

تمام سرتیپهای روسی که سردار کل یا فرمانده جزء در قشون قفقاز شده بودند هر یک بنوبه خود امیدوار بود که شرافت انجام کار را او خواهد برد. ووروتزوف<sup>(۱)</sup> هم همین هوس را بخت ولی شانزده سال دیگر با انواع وسائل با شیخ شامل جنگید. عده قشون روسی را بجوایش او صد و پنجاه هزار نفر نمودند. و هر قدر جای آنها در جنگ خالی میشد فوراً عده تازه بجای آن میفرستادند. دوری قشون از مرکز و اطاعت مستقیم سردارها بوزارت جنگ در پترسبورگ سبب تأخیر کار و زحمت در سرعت اقدامات جنگی بود. ووروتزوف از امپراطور اختیارات تامه و قدرت کامله گرفت. امپراطور اختیار مرگ و حیات هر کس را بدون استئنا باو داد. پادشاه و جزا و عزل و نصب مأمورین و افراد قشون را هم باو محول کرد. شاهزاده مزبور مقر خود را در تفلیس قرار داد و آنجا مثل یک سلطان سلطنت میکرد و چوهای دار برای مکافات وطن پرستان آماده بود.

تفوق عددی و برتری نظامی روسها بقفقازها واضح بود. کوهستانها عدداً کم بودند ولی برای استقلال وطن و حفظ ایمان اجداد و نیاکان خود میجنگیدند. باینجهت نزد آنها حس جدال حکم یک قوه خارق العاده و یک حیات ثانوی داشت. کسکی خارجی و تکیه گاهی برای مقاومت با قشون پی در پی امپراطور کل روسیه بجز صخرهها و قلعه کوهها و عمق درهها و پرتگاهها و انبوهی و تاریکی جنگلها نداشتند و از استعمال آنها بعلم مخصوصی فائده و نتیجه میبردند. اغلب روسها بعد از یک حمله که خوب پیشرفت میکرد در موقع عقب نشینی تمام ثمره زحمات خود را بباد میدادند. داغستانها عقب آنها در تنگه میان دو کوه راه فرار را بآنها میبستند آنوقت وای بر حال آنها. اغلب اوقات بجز معدودی از دست این جنگجویان بیباک نمیروستند. کوهستانها قدرت تحمل مشقهای زیاد داشتند و چون تمام گذرگاههای کوهها و معا بر را میشناختند همینکه مسبق از عبور روسها میشدند چند روز در پشت سنگی یا غاری یا در میان بوتهها و پشت درختان متزوی شده و منتظر رجعت دشمن میگشتند و بمختصر آرد خیر شده میساختند تا وقت ساختن کار دشمن برسد. شجاعت و تهور آنها حیرت انگیز است. مثلاً وقتی که یکی از آنها عده قزاق تعاقب میکرد فوراً بالا بپوش نمدی خود را بسر اسب خود انداخته و بدون تأمل از روی سیلابی یا رودی یا پرتگاهی خود را پرت میکردند و همیشه موفق بنجات میگشتند. اغلب در هنگام هجوم لباسشان منحصر بیک پیراهن بود. خنجر خود را بدندان گرفته در دستی ششکه و در دست دیگر تیانچه موافق احتیاج وقت هر سه اسلحه را استعمال میکردند بطوری که سرباز روسی معطل مانده بزودی از پا در میآید.

چون عده قشون شیخ شامل منحصر بهمان قفقازها بود بالطبع بطول زمان روز بروز کتر میشد. برعکس قشون روس که لاینقطع از صحراهای بی پایان روسیه جمع شده روز بروز در تراید بود. طرز جنگ قفقازها این بود که ناگهانی بسر دشمن افتاده و اجتماعات آنها را پراکنده میکردند.



و توپ و نقل آذوقه راهها ساخته و روی رودخانهها و پرتگاهها پل میبنداختند. هر جا را که تحت تمکین در میآوردند مقدار زیادی قزاق و ژاندارم و پولیس نظامی در آنجا میگماشتند که اگر کسی از اطاعت سر پیچی کند مثل اجل معلق بالای سر آنها حاضر باشند.

وسیله آخری که اتخاذ نمودند این بود که روسها ملاحظه کردند که حمله از یک طرف داغستان کار آنها را هیچوقت بانجام نخواهد رسانید و لابد کوهستانها آذوقه و ذخیره از آن طرف دیگر میتوانند فراهم بیاورند. این شد که مجمع صاحب منصبان در محضر ووروتزوف رأی داد که قشون بهمین اصول از تمام اطراف و جوانب داغستان دفعه پیش بروند و از هر سمت متفقاً حمله کنند و راه ورود آذوقه و لوازم حرب را از هر طرف ببندند. و این آخرین و خطرناکترین وسیله برضد قفقازها گردید. بدینگونه بعد از هفتاد سال زد و خورد کار داغستان در شرف خاتمه بود و بتدریج بانجام خود نزدیک میشد.

وقتیکه جنگ قرم شروع شد (۱۳۷۱) دولت انگلیس ناپلیون سوم امپراطور فرانسه را بکمک عثمانی وا داشت و شاهزاده پیمونت<sup>(۱)</sup> که چند سال بعد پادشاه ایتالیا شد نیز بیست هزار نفر سرباز فرستاد و قشون متفقین در شبه جزیره قرم لطمه بزرگی بروس زده شکست فاحشی باو دادند (۱۳۷۲) و روس راه داردانل را بخود بسته دید.

در این جنگ انگلیسها با چرکها ساخته و دولت عثمانی بشیخ شامل پیشنهاد کمک میکرد. چون هرگز بدسایس انگلیس مطمئن نمیتوان شد و رفتار مخالف ندیر پاشای عثمانی با نماینده شامل نتیجه خوبی نداد باین سبب شیخ شامل نخواست با آنها همعهد شود ولی زمان جنگ فرجه برای او شد. دولت روس همیشه شکست فاحشی از عثمانیها و فرنگیان خورد بقیه قشون از پا در رفته خود را بطرف قفقاز گسیل داشت و از کشتار مثنی از جان گذشتگان شکست خود را میخواست تسلی بدهد.

اگر کسی نظری بنقشه روسیه بیندازد و در آن نظر بقطعه قفقاز و در قفقاز داغستان توجهی کند خواهد دید که چه قدرتی با چه قوه در ستیزه بود. عنصر جوان قفقاز در هفتاد سال مقاومت و مخصوصاً در ۲۵ سال اخیر دوره شیخ شامل دیگر تمام شده بود. بواسطه طول مدت جنگ قشون پنجاه هزار نفری شیخ شامل رفته رفته کم شده بود. نوجوانان در میدان قتال شربت شهادت نوشیده بودند. از طرفی قحطی و بی آذوقگی دشمنی عظیمتر از هیکل مهیب روس در برابر اهالی فلک زده قفقاز صورت ناهنجار خود را می نمود و کم آذوقه آنها منحصر شد بمختصر محصولات کوهها. ولایت داغستان از چهار جهت احاطه گردید و روز بروز حلقه آهنین روس تنگتر میشد.

در غرب قفقاز در طرف دریای سیاه مدتی بود که قبایل سابق الذکر چرکس مقاومت را تمتع دیده تن بقضا داده و از نومیدی با وجود مواعید انگلیسها تسلیم روس شده بودند. در عوض این دولت روس در حق آنها

روسها برعکس میخواستند که با ایشان مقابله نموده بجنگد و این لابد برای قفقازها خارج از شرایط عقل بود.

دولت مسکوی متصل مثل سیلاب قشون میآورد ولی غیرت و جوانمردی داغستانها آنها را در اندک مدتی محو و نابود میساخت. و هر سال در قمر پرتگاهها و قلل جبال قفقاز هزاران هزارها جوان روسی طعمه وحوش و طیور میشدند.

مقارن همان اوقات از ۱۳۴۹ الی ۱۳۵۹ جنایت تاریخی روس در حق لهستانها وقوع یافته بود. امپراتور روس که از لهستانها دل خوشی نداشت برای قلیل قوه جوان و جنگی آنها جوانهای ایشانرا جبراً بفقاز در مقابل گلوله چچنها میفرستاد. آنهایکه موفق فرار میشدند ملحق بدلاوران شیخ شامل شده و با دشمن مشترک خود میجنگیدند.

طرز جنگجوئی شامل نظامیان و علمای حرب روسیه را خشمگین و بیتاب میساخت. ولی بطول مدت سرکردهای روسی رفته رفته مخصوص قفقازها در جنگ بدست آوردند. از طرفی هم یک مسئله سیاسی در میان بود و آن این بود که نیکولای اول بعد از برادرش الکساندر اول مسخوست قدرت نما و بزرگترین پادشاهان اروپا بظلم رود و بگفته تولستوی این مایخولنا گرفتار بود و همیشه با خود میگفت «اگر من نباشم اروپا چه میشود». اگر روسها فتح قفقاز را خوب تعاقب نمیکردند امپراتور مفتضح شده و از اهمیت ساسی او میکاست. این شد که ووروتزوف نقشه جدیدی که مجمع صاحب منصبان پیشنهاد نموده بود اتخاذ کرد. قسمتی از آن نقشه را از ابتدا شروع کرده بودند و آن عبارت از این بود که هر ده و قصه را که میگرفتند چند خانوار از مهاجرین نظامی از قزاقهای محاری لمرز روسیه جبراً کوچانیده و در آنجا سکنی میدادند و اراضی و حیوانات ضبط شده قفقازها را بآنها داده بزراعت و کشت زمین و ادارشان می نمودند. و چون صورت نظامی آنها باقی بود آنها را مجبور بآستحکام و سنگربندی اطراف ده یا قصبه کرده آماده مقاومت ساخت و تاز قفقازها می ساختند. و چون سربازهای روس از این جنگ نیایان خسته شده بودند اغلب یا فرار میکردند یا بدشمن تسلیم میشدند و اگر بهیچیک نائل نمیشدند خود کشتی را ترجیح میدادند. ولی چون قزاق دلستگی بیعال خود داشت و زحمت کشت و زرع بخود داده بود لابد مجبور بود که نه فرار کند و نه بدشمن تسلیم شود و تنها چاره کشتن یا کشته شدن بود. از اینقرار رفته رفته قزاق رسوم مملکت و حیل و اطوار کوهستانی را آموخت و در حالیکه برای حیات خود میجنگید بموقیت یت دولت روس جان میساخت.

وسیله دیگر این بود که بهر اندازه که جلو میرفتند باسلوبی که سابق دو سردار معروف یرمولوف و ویلیامینوف پیشنهاد کرده بودند جنگها را که پیوسته ملجأ و مأوای مجاهدین بود تماماً سوزانیده خاکستر میکردند و تمام کشت و زرع و آذوقه را آتش زده و آبادیها را با خاک یکسان می نمودند. بعد از آن در اغلب جاها در عرض چند فرسخ در جنگلها درختها را بریده و جاده های وسیع میساختند. در شعب کوهها برای حرکت قورخانه

Piemont (۱)



## خاتمه کار قفقاز

بدینگونه مقاومت و ایستادگی شیخ شامل تا آندقیقه که دیگر بعد از آن متع بود بعد از ۲۵ سال با بجم رسید. حشمت و شکوه ناموری و شجاعت و مجاهدت دینی او هیچ آتی مثل موقع آخری ندرخشیده بود و موهبت بزرگی و بهادری و بزرگواری را بهای گران خریده بود. در مقابل سطوت و مهابت او در طول مسافتی که نزد امپراطورش میبردند روسها سر تعظیم فرود آوردند. امپراطور او را بدون سلب اسلحه پذیرفت و بعد او را با پسرها و عیالش در کالوفا<sup>(۱)</sup> شهری از شهرهای وسط روسیه محبوس محترم نمودند.

اگر از عظمت او ملاحظه کرده بواسطه احترام او او را در گوشه محبس تاریکی نینداختند بر عکس در حق دلاوران و همراهان و بقیه عناصر مجاهدین در داغستان رفتار دیگر کردند. پهلووانان لژگی و ججن و آتانی را که در ردیف مجاهدین قفقاز برای حفظ دین و سرزمین جانبازی کرده بودند بترک وطن و اشغال شاقه محکوم و بمهاجرت و تبعید مجبور و اوامر امپراطوری را بسرعت در حق ایشان بموقع اجرا گذاردند. آخرین قوه که در مقابل تجاوز روس در قفقاز بود اگرچه برطرف شد ولی نام خود را بنامداری و غیرت در دفتر عالم ثبت نمود و شهادت با شہامت را بهتر از مرگ با حقارت و فروتنی شمرد!

بعد از این فاجعه عظمی یعنی استیصال شیخ شامل در ۱۲۷۶ روسها دیگر مقاومتی در جلو خود نیافتند و قفقاز بالکله در تصرف آنها در آمد و تا ۱۲۹۲ بتدریج تمام طوائف در تمام ولایات قفقاز سر تمکین فرود آوردند.

در قفقاز مادی که عناصر غیرت و استقامت پایدار بود روسها با احتیاط و حرمت رفتار می نمودند ولی همینکه نظمیه و نظامیان روس در هر گوشه و کناری برقرار شدند و اماکنی را که ممکن بود سرپیچی و تمرد کنند با قشون ساخلو و تهدید دهنه توپ در خوف نشانند شیوه رفتارشان تغییر کرد. آنوقت حکومت نظامی در هر گوشه مملکت برقرار شد. با بومیان مثل وحوش رفتار نمودند و آنها را پست و خوار شمردند. مغلوبین ذلیل و رفته رفته عادت باین حال نموده از حیث اخلاق نیز عقب رفتند و این معامله تا امروز رواج دارد. بعضی اینکه روسها جهد کنند که تلخی ناانصافیها و جنایت سیاسی خود را ملایمتر کرده و احساسات قلب پر زخم مغلوبین را حرمت بدارند برعکس خطیها و خشوتیهای زیاد نمودند. قفقاز مدتی محل تبعید صاحب منصبان مجرم بود. برای تنبیه مستخدمین دولتی که در خدمت کوتاهی کرده و یا دزدیهای فاحش نموده بودند آنها را بعنوان مأموریت بجان قفقازها می فرستادند. در عوض تسلیت و تسکین این جانوران «چینونیک»<sup>(۲)</sup> بلای جان و راحتی اهالی قفقاز فلک کرده گردیدند.

رفتاری که صرف خارج از انسانیت است مجری داشت. سیصد هزار نفر عناصر قوی و جوان چرکس را از خانه ولانته خود کشته اسیروار بقاظ دور دست روسیه و اقصای سیری کوچانیدند<sup>(۱)</sup>.

در جهت داغستان نیز در میان این بلای عظیم اوضاع پریشانی هویدا گردید. دانیال بک والی الیسوری<sup>(۲)</sup> که متفق عمده و از نایبهای طبیعت اول شیخ شامل بود همینکه عاقبت و خیم محاصره را دید خود را کناره کشید و شامل را بحال خود گذاشت.

## اسیر شدن شیخ شامل

بیوفائی طالع در آخر، بی مکی، بی آذوقگی و غیر ذلک شیخ شامل را مایوس ساخت و عتبه از همراهان قدیمی و با وفا او را رها نکردند. شیخ شامل که مقصد شاهکارانه او فداکاری خود در راه آزادی قفقاز و پاک نمودن خاک آن از لوث وجود اجنبی و حفظ آئین اسلام بود تا آخرین وهله توانائی خود با برجا ایستاد و جنگید و در ماه صفر ۱۲۷۶ از همراهان با وفای شیخ شامل فقط چهار صد نفر باقی مانده بود در مقابل صد و پنجاه هزار نفر روس! شیخ شامل این یک مشت اتباع خود را با عیال و اولاد با آخرین ماجا خود در ده گوئیب<sup>(۳)</sup> که در وسط داغستان بالای یک بلندی واقع بود برده و آنجا تحصن جست و اطراف آن موضع را استحکامات نموده منتظر دشمن گردید. روسها تمام لوازم جنگ را دور آن نقطه جمع کرده و محاصره را محکم نمودند. چهار صد نفر بقیه اصحاب شامل با روسها همواره در زد و خورد بوده داد مردانگی می دادند. بالأخره روسها یکتب غفله هجوم کردند و با توپ و هرچه ممکن بود بیناهگاه آنها آتش افشانند. شیخ شامل و همراهان در خانه که در صخره مثل غاری کنده شده بود سنگر بندی کرده و تا آخرین تیری که داشتند مدافعه کردند. وقتی شامل ملفت شد که از چهار صد نفر همراهان او فقط ۴۷ نفر دور او باقی است و در آنوقت امواج افواج روس بمسافت بیست قدمی آسمان رسیده بود. ژنرال پرنس باریاتینسکی<sup>(۴)</sup> که فرمانده کل قشون بود حکم داد که دیگر شلیک نکنند. آنوقت یک نمایش حزن انگیزی پدیدار شد: شیخ شامل با حال افسرده ولی پر از غیرت و وحدت با صورتی با جبروت از پناهگاه خود موقرانه بیرون آمده و آهسته بطرف ژنرال مزبور رفت. ژنرال با کمال احترام از او پرسید: تو شامل هستی؟ شیخ شامل با کمال بی اعتنائی سری تکان داد. ژنرال حکم امپراطور الکساندر دوم را برای او خواند که اگر شامل زنده بدست آمد فوراً نزد او روانه دارند. بعد از اسارت چه اهمیتی داشت. گامدار پیر قفقاز با یک قوت قلبی مصیبت خود را قبول کرد.

(۱) تخمیناً پانصد هزار نفر دیگر هم خودشان برای فرار از تسلط روس بخاک عثمانی و ایران مهاجرت کردند. و امروز از این تزد پاک ظریف قوی بیش از پنجاه هزار نفر در مقام اصلی خودشان باقی مانده است.

(۲) Elisorie (۲) Gounib (۳) Bariatinski (۴)

(۱) Kalouga (۱)  
(۲) Tchouownik بروسی مستخدم و مأمور دولتی است

### طرز سیاست روس در قفقاز

روسها بجای تمدنی که بنام آن قفقاز می‌آمدند تمام آلات و عوامل فساد اخلاق را در تمام اماکن آن یابدار کردند (این شیوه را در تمام ممالک اسلامی از قبیل ترکستان و بخارا و غیره و در این اواخر در تبریز و رشت و توابع آن مجری داشته‌اند). سیاست روس در اینگونه مقامها اینست که اول از جهل و بی‌علمی اهالی بیچاره استفاده نموده در دل ایشان قدرت و جبروت و خوف و مهراس تازه را جای داده و آنها را مثل آلتی بی‌حس و خیال نموده بمقاصد خود میردازند.

قیح‌ترین و شنیع‌ترین مسلک روس در تذلیل و تحقیر قومیت ملل مقهوره این شیوه دغل و دنی است که بنام حرمت انسانیت باید علناً گفت: قلب مهربان «پدر کوچک»<sup>(۱)</sup> میداند که سردی آهنی که بسر قفقازها کوفته بودند چقدر سخت و ظالمانه بود. پس برای شکسته‌بندی قلوب مجروح و در عوض استقلال و آزادی پایمال شده اهالی سالیانه مالی و وجه از خزانه امپراطوری کنار گذاشته و صرف مهاجرت فواحش و روسیان روسی در تمام نقاط ولایات مقصوبه میکند و بجای مدارس و دار الفنونها بنام «تمدن مقدس» دار الفواحش تأسیس مینماید و دکاکین شرب در تحت حمایت مأمورین محترم در سر هر رهگذر برای خرف نمودن بومیان باز میشود. و نتایج شوم اینها بیش از آنست که انسان در نظر اول تصور میکند. چه زهری بیشتر از امراض تنگین برای فساد نسل و تقلیل جنس و پاکی نژاد مؤثر است؟ این همه شیوه تسلط و طرز استحکام حکومت روس است!

روس بنام «تمدن» بدینگونه دستبرد خود را می‌نماید ولی در مملکتی مثل قفقاز که هیچ‌کس را در نیم جمعیت دارد یک مدرسه عالی موجود نیست. مخصوصاً مسلمانها که در یک جهالت محض باقی هستند و تربیت آنها با سر نیزه و شلاق و کیل و دهباشی روس پیش میرود. در نظر این ستمزدگان عاری از تمیز خداوند جهان تبار روسیه است و علوم اصلی را روس ایجاد نموده. راه آهن و «آرینیکا»<sup>(۲)</sup> را هم مخترع اوست! ارمنه که یکی از عناصر زیرک و باهوش قفقاز هستند هر چند امروز آلت اغراض روس گردیده و در ارمنستان عثمانی خطبهای فاحش کرده‌اند و قتی در روسیه در خیال ایجاد مکاتب و نشر معارف در میان عنصر ارضی و ترتیب اوضاع ملیت و اصلاح امور مذهبی و کلیسای ارمنه بودند. از طرفی هم گرجها در خیال تحصیل استقلال حکومت داخلی و تحقیر رفتار خشن مستخدمین روس بودند. این مقدمه در حدود ۱۳۲۳ و کمی قبل از آن بود. دولت روس محض اینکه افکار آزادی طلب ارمنه و گرجها بسایر اقوام قفقاز سرایت نکند بدستکاری حکومت و ریاست نظمیته قفقاز در همه جا ترتیب جدالهای خانگی داده و اشرار را واداشت که میان مسلمان و مسیحی تفرقه و نفاق اندازند و بهمان اشرار از قورخانه دولتی اسلحه

دادند و آتوق جنگ داخلی مشتمل شد. مسلمان و مسیحی همدیگر را در مقابل چشم مأمورین حکومتی و نظامی درنده‌وار دریدند و هزارها ایرانی بی‌جرم نیز در این معرکه تلف شد. این کشتار ۱۳۲۳ دور از خاطر ما نیست. تمام گناه خونریزی ناحق آن روزها بمسئول حکومت جانی روس است. روس در این آب گل آلود صیدی که میخواست نمود. متعاقب این حوادث چندین هزار نفر از عناصر آزادی خواه و آنها که وسعت فکر و اطلاعاتشان در قفقاز سبب مخاطره بنظر روس می‌آمد خواه مسلمان خواه ارمنی باقصای سیری و بمحبسهای تاریک روس رفتند.

در بلوای روسیه در همان سال ۱۳۲۳ در زمان جنگ روس و ژاپون دولت روس در ممالک مقهوره مثل لهستان و قفقاز و فلانند و غیره ظلمهای فاحش و جنایات خونین مرتکب شد.

در قفقاز اکثر مردم از هر طایفه که باشند در کمال ذلت و فقر و در نهایت جهل و نادانی میباشند و در شرف انحلال و تلف هستند. و مخصوصاً دولت روس در روسی نمودن آنها جهد کامل میکند و بطوری در محو و نابودی آنها جدیت میکند که هیچ وجدان انسانی متحمل آن نمیتواند بشود. سالی هزارها مهاجر روس از اطراف و انحاء روسیه آورده در اماکن آنها جا میدهند و بومیها را از لانه و خانه خود میراندند.

### آرزوی اهالی قفقاز

بعضی از عناصر زیرک و تربیت شده قفقاز امیدوار بودند که در خاتمه این جنگ جهانگیر قفقاز سر برآورد و بکمک ایران و عثمانی دشمن مشترک را برانند و استقلال قفقاز را نیز برقرار کنند و یک دولتی مثل «کانتون» های متحده سوئیس ایجاد نموده که بحمايت دول بزرگ و بضمانت آنها حایلی میان ایران و عثمانی و روسیه بشود. چه نیت نیکی و چه آرزوی بزرگی! ولی کوی ایران با این دولت حایته خود که پیرو همچو شاهکاری باشد. برای ملاحظه این نکته اگر کسی نظر بجرايد «عصر جدید» و «اطلاعات» بکند خواهد دید که ابلاغیه‌های پایتخت ایران از سفارت روس منتشر میشود!

در خاتمه بیش از این اصرار نکرده و دقت صاحب نظران را باصول پیشرفت اقسامات روس در ایران جلب نموده و شهادت تاریخ را دلیل مدعای خود می‌آوریم. نتایج سیاسی و نظامی فتح قفقاز را شاهدهی بجز اوضاع حاضر ایران و خونریزی که از خلیج فارس تا طربوزان و از آسیای صغیر تا خراسان است نداریم. مخصوصاً سیاست امروزه که در وطن ما حکمفرماست همان است که از دوپست سال قبل یک امپراطور روسی کشیده و جانشینهای او و دولتی که مجری وصیت‌نامه او بوده قدم بقدم و نکته بنکته در حق ما معمول و مجری میدارند.

(۱) تبار روسیه را هوام و دعائیها «پدر کوچک» و خداوند را پدر بزرگ میگویند (۲) علم حساب پروسی

یعنی پانزده میلیون و کسری سرباز که از طرف متفقین کشته یا مجروح یا اسیر شده اند! - از مقایسه تلفات ملل مختلفه اتفاق با یکدیگر فقرات ذیل قهراً استنباط میشود:

اولاً - آنکه مجموع تلفات سرب و بلژیک و رومانی تا سوم محرم تخمیناً نهصد هزار نفر است یعنی تقریباً دو ثلث تلفات انگلیس. ثانیاً - آنکه تلفات ایتالی که ده ماه بعد از انگلیس داخل جنگ شده است تا سوم محرم بهشتصد هزار نفر میرسد یعنی باز تخمیناً دو ثلث تلفات انگلیس. ثالثاً - آنکه تلفات فرانسه بیشتر از سه مقابل تلفات انگلیس است و تقریباً ربع مجموع تلفات متفقین است.

رابعاً - آنکه تلفات فوق العاده روسها هفت مقابل تلفات انگلیس است و بیش از یک میلیون از نصف مجموع تلفات متفقین بیشتر است. خامساً - آنکه سهم انگلیس از مجموع تلفات متفقین بیش از صدی هشت نیست و تلفات سایر متفقین نود و دو در صد است و اگر تلفات عناصر خارجی انگلیس را از قبیل کاناداها و استرالیا و هندیا و غیرهم از تلفات انگلیس تفریق کنیم سهم انگلیس از صدی هشت هم خیلی کمتر میشود.

## پاداش فتوت

از اخباری که اخیراً بنا رسیده مستفاد میشود که در موقعی که قشون روس وارد اصفهان شده بود چندتن صاحبمنصب آلمانی که در آن شهر بوده اند محصور شده و کار بر آنها بسیار سخت میشود ولی علیا مخدّمه زینب مریم خاتم همشیره حضرت آقای سردار اسمد رئیس ایل جلیل بختیاری که مانند یکان یکان طایفه دلیر واصل خود از یک پستان شیر مردی و مردانگی نوشیده ملتفت حال صاحبمنصبان مذکور گردیده و نجات آنانرا که دوستدار ایران هستند بر ذمه خود فرض دانسته و بهر وسیله بوده آنانرا در کنف حمایت و امان خود آورده و سپس اسباب حرکت آنانرا فراهم آورده و بسوی وطنشان روانه میدارد.

صاحبمنصبان مذکور اکنون بادل شاد بآلمان رسیده و در مقامات لازمه از بزرگواری و خانمی یکتا زن بختیاری و از حق شناسی خود سخن رانده و میرانند. دولت امپراطوای آلمان نماینده محترم خود را در ایران مأمور داشته که خانم مشارالیهارا از این علو همت تبریک و سپاس گوید و علاوه بر این شخص اعلیحضرت امپراطور هم تمثال میناکاری و الماس نشان خود را بعنوان قدر دانی بطلیه عالیّه مشارالیها فرستاده اند.

افزودن شده است چه در سوم محرم عده اسرای رومانی ۵۰۰۰۰۰ نفر بوده است در صورتی که امروز ۱۸ صفر (۱۴ دسامبر) فقط عده اسیر رومانی متجاوز از ۱۶۰۰۰۰۰ است و تلفات دیگر رومانی را بهین نسبت باید قیاس کرد.

## تلفات متفقین

جمیعت «بحث از نتایج اجتماعی جنگ»<sup>(۱)</sup>، که مرکز آن در کونپهاگ است اخیراً احصائیه مفیدی از تلفات متفقین از اول جنگ تا غرّه شوال ۱۳۳۴ نشر نموده است. مأخذ این احصائیه از روی اسناد رسمی و غیر رسمی است که جمیعت مذکور بدست آورده است. در خصوص انگلیس و روس این اسناد متعدد و خیلی منقح و مدقق است بطوری که میتوان گفت که حساب تلفات دو دولت مذکور تقریباً مطابق با واقع است. اما در موضوع فرانسه و ایتالیا و سرب و بلژیک چون دول مذکوره اسناد رسمی در باب تلفات خود نشر نکرده اند حساب تلفات ایشان از روی قیاس و مبتنی بر معلومات منفرقه دیگر است ولی حتی المقدور کمال احتیاط در حساب خسارات ایشان بعمل آورده شده و همیشه قدر متیقن مأخذ گرفته شده است. احصائیه مذکور از قرار ذیل است:

تلفات متفقین از اول جنگ تا غرّه شوال ۱۳۳۴  
باستتای انگلیس که تا ۲۹ شعبان ۱۳۳۴ است.

انگلیس	مقتول	مجروح	اسیر	جمع کل
۱۶۲'۸۰۸	۴۲۷'۵۸۳	۸۶'۳۸۴	۶۷۸'۷۷۵	انگلیس
۱'۴۹۴'۰۰۰	۴'۰۶۴'۰۰۰	۲'۰۰۰'۰۰۰	۷'۵۵۸'۰۰۰	روس
۸۸۵'۰۰۰	۲'۱۱۵'۰۰۰	۳۶۰'۰۰۰	۳'۳۶۰'۰۰۰	فرانسه
—	—	—	۴۰۵'۰۰۰	ایتالی
۵۰'۰۰۰	۱۱۰'۰۰۰	۴۰'۰۰۰	۲۰۰'۰۰۰	بلژیک

این بود احصائیه «جمیعت بحث از نتایج اجتماعی جنگ». روزنامه آلمانی «صلیب»<sup>(۲)</sup> این احصائیه را میزان قرار داده و از روی قیاس و مأخذ دیگر که بدست آورده تلفات متفقین را تا سوم محرم ۱۳۳۵ از قرار تفصیل ذیل امتداد میدهد:

۱'۱۸۳'۷۵۰	انگلیس
۸'۵۵۸'۰۰۰	روس
۳'۶۹۶'۰۰۰	فرانسه
۸۰۰'۰۰۰	ایتالی
۴۸۰'۰۰۰	سرب
۲۲۰'۰۰۰	بلژیک
۲۰۰'۰۰۰	رومانی <sup>(۳)</sup>
۱۵'۱۳۷'۷۵۰	جمع کل

La société pour l'étude des conséquences sociales de la guerre (۱)  
Kreuz-Zeitung (۲)

(۳) روزنامه «گازت دزآردن» که جدول فوق را نقل میکند میگوید که از تاریخ این جدول که سوم محرم (غرّه نوامبر) است تا کنون تلفات رومانی بمراتب



نگاهداری و دفاع از اماکن مقدسه حاضرند. لهذا ما این تهمت صرفرا با نفرت تمام از خود رد میکنیم.»

### توپهای پلونا

توپهای عثمانی که در سال ۱۲۹۵ بدست رومانیها افتاد و بعدها آنها را در جلوی محسّمه سکویلف در بخارست جای داده بودند تمامرا دوباره عثمانیها گرفته و باسلامبول برگرداندند و ازقرار معروف آن توپها را بیادگر دفاع پلونا و شجاعت و تهور عساکر عثمانی در جنگ والاخی (رومانی) در اسلامبول در میدان بایزید روبروی وزارت جنگ قرار خواهند داد.

### حسن اثر فتوحات قشون اسلامی عثمانی

ما در شمارهای پیش کاوه خبر تعطیل روزنامههای «اطلاعات» و «رعد» طهران را بنظر خوانندگان محترم خود رساندیم. اکنون بنا باخباری که اخیراً از ایران بدست آمده معلوم میشود که روزنامه «بامداد روشن» و «صدای ایران» که همواره طرفدار آزادی و استقلال ایران بوده اند دوباره در طهران بطبع میرسند و از همین مسئله میتوان تأثیرات حسنه پیشرفت قشون اسلامی عثمانی و فتوحات پی در پی آنرا استنباط کرد و بستی نفوذ مغوی روس در ایران پی برد که چگونه در مقابل مختصر حرارتی مانند برف آب میشود.

و قتیکه نفوذ روس در ایران غالب میشود وضع آن سامان منظره دشتی را بنظر میآورد که تاریکی شب بر آن مستولی شده باشد و از هر گوشه حشرات بیرون آمده و غوغای محشری برپا نموده باشند ولی بمحض طلوع آفتاب عالتاب یسکد فمه تمام آن هیاهوها از میان میرود و چهچه روح افزای مرغان خوش الحان جای آنرا میگیرد و عالم عالم دیگر میگردد.

### تلفات کشتیهای جنگی متفقین از ابتدای جنگ تا کنون

با غرق شدن کشتی جنگی فرانسوی موسوم به گولوا عدّه کشتیهای جنگی غرق شده متفقین ۱۹۶ کشتی میشود که بارگیری آنها روی هم رفته بالغ بر ۲۲۲۸،۲۹۰ خروار است. از این عدّه ۱۲۵ کشتی تنها متعلق بانگلیس بوده (که کشتیهای موشگ انداز وزیر دریائی هم داخل آن است) و روهم رفته ۱،۶۹۵،۶۰۰ خروار بارگیری داشته است. از این قرار بارگیری کشتیهای جنگی تلف شده متفقین زیادتر از بارگیری تمام جهازات جنگی فرانسه است در ابتدای جنگ و فقط تلفات انگلیس بیشتر از تمام جهازات جنگی ژاپن است زیرا که بارگیری تمام کشتیهای جنگی ژاپن عبارت از ۱،۶۷۲،۶۸۰ خروار بوده است.

این رفتار مردانه بی بی مریم خانم که از آن آثار آدمی و بزرگواری که شالوده اخلاق اصلی ایرانی است هوید است علاوه برآنکه اسباب سر بلندی جمله ایرانیان است علاوه و محبتی را نیز که هر زن و مرد ایرانی نسبت بدول اتحاد چهارگانه دارد ثابت میدارد.

کارکنان اداره کاوه با کمال مباهات علیه عالیّه بی بی مریم خانم را تبریک مگویند و تا وقتیکه در مملکت ایران اینگونه خصائل نجیبه باشد از نجات آن نباید امید برید.

خطابه همیونی امپراطور آلمان بقشون بری و بحری بمناسبت

### اول سال

بقشون بری و بحری خودم:

باز یک سال گذشت پر از جنگهای سخت و تلفات بسیار و مملو از نتایج زیاد و فتوحات بیشمار.

امیدی که دشمنان ما بسال ۱۹۱۶ داشتند بکلی بی نتیجه ماند و ضایع شد. تمام هجومهای سختی که آنها از شرق و غرب آوردند در جلو مقاومت و شجاعت دلیرانه شاهها درهم شکست. اینک لشکر کشی فاتحانه تازه در رومانی از سر نو با تأیید خداوندی پرقهای شمارا بگلهای جاودانی افتخار و شرف مزین داشت.

جنگ سکاگراک که بزرگترین جنگ دریائی است که از ابتدای این کارزار جهانگیر بوقوع پیوسته و اقدامات دلاورانه کشتیهای زیر دریائی سبب افتخار و مباهات دائمی قشون دریائی من گشت.

شما در تمام میدانهای جنگ فاتح هستید چه در خشکی و چه در دریا. وطن متشکر با یک اعتماد قوی و اطمینان فوق العاده بسوی شما نگران است. آن خصلت جنگی که در نهاد شما سرشته است، آن میل بفیروزی که شمارا همیشه خرم داشته و نمیگذارد که خسته شوید و بالأخره عشق شما بپناح وطن مرا مطمئن میدارد که در سال جدید هم فتح و ظفر نصیب پرقهای ما خواهد بود.

خداوند هم باز با ماست.

ارکان حرب عمومی ۳۱ دسامبر ۱۹۱۶

«ویلهم»

### تهمت

اداره اخبار «ملی» عثمانی بتاريخ ۵ ربیع الاول ۱۳۳۵ خبر میدهد: «شریف سابق مکه امیر حسین اظهار کرده است که عثمانیها بزینتهای طلا و جواهری که از آثار مقدسه متعلق بحرم بوده دست بردی نموده اند. در این باب لازم نیست گفته شود که این امکان مقدسه در نزد مسلمانان محترم است و غیر از امیر حسین و همدستان او تمام مسلمین با جان و مال خودشان برای